



موافقت وزیر بهداشت با اعزام زائران به عتبات عالیات

پنجشنبه / ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ / ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۴۲ / ۴ فوریه ۲۰۲۱

روزنامه صبح ایران

WWW.EMTIAZDAILY.IR



سیستم بانکی زیان انباشته دارد

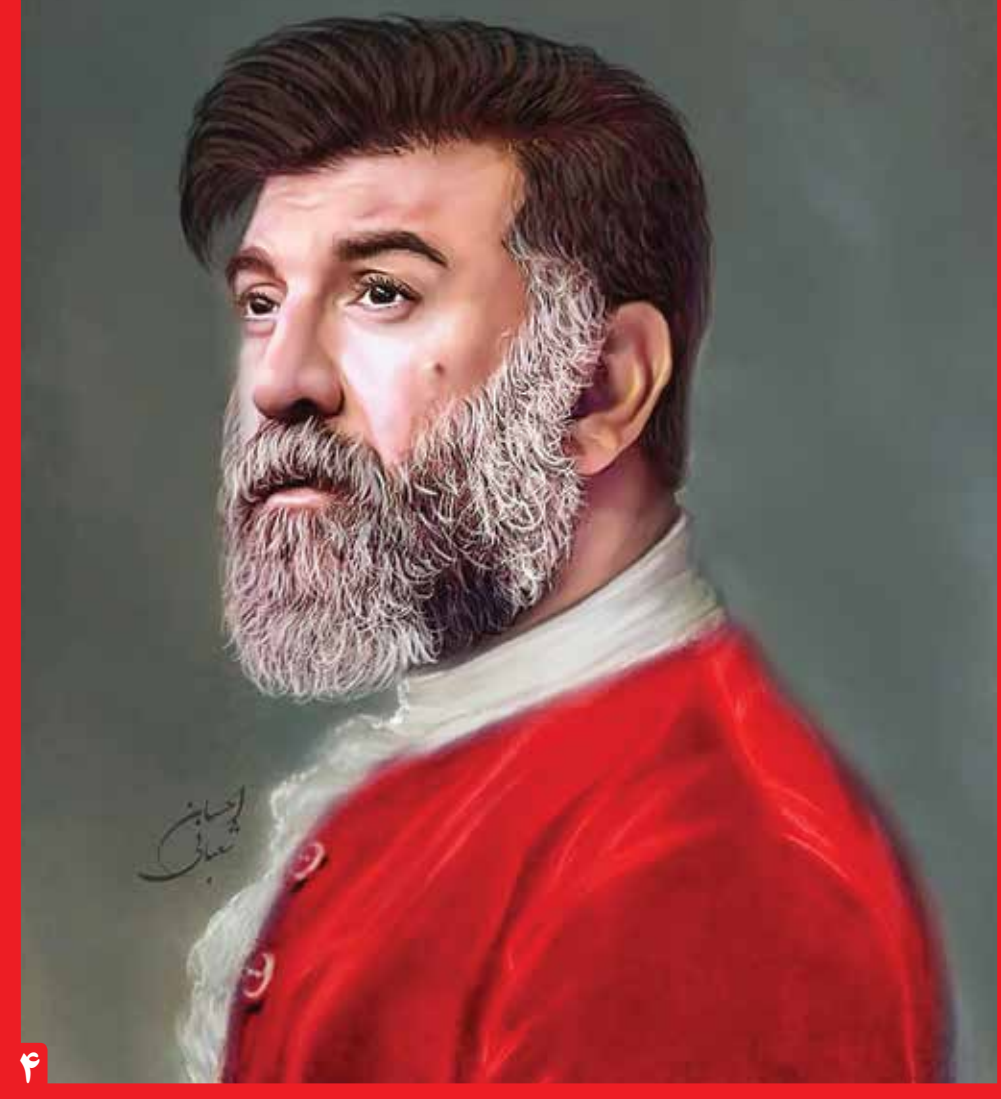
شماره ۳۱۴۲ / ۸ صفحه / قیمت ۲۰۰۰ تومان

با حضور وزیر صنعت صورت گرفت؛

افتتاح خط تولید کامپیوتر خودرو

این بار سینما و فوتبال باهم گریستند؛

علی تاب تنهایی مهر داد را نداشت



وزیر بهداشت مطرح کرد

تحويل ۴/۲ میلیون دوز واکسن کرونا به ایران در کمتر از یک ماه آینده

وزیر بهداشت گفت: تحويل ۴.۲ میلیون دوز واکسن کرونا از ماه فوریه در قالب سبد کوواکس آغاز می‌شود.

سعید نمکی در خصوص آمار کرونا در جهان طی ۲۴ ساعت گذشته گفت: متأسفانه باز هم جهان در التهاب بیماری کووید ۱۹ گرفتار است و طی ۲۴ ساعت گذشته در آمریکا ۳۶۳۲ مرگ، انگلیس ۱۴۴۲ و برزیل ۱۲۴۰ مرگ به ثبت رسیده که بیشترین آمار را این سه کشور داشتند. وی ادامه داد: گرچه با تلاش بی‌وقفه توانسته‌ایم آمار فوتی‌ها را دو رقمی نگه داریم اما متأسفانه در شبانه‌روز گذشته ۷۲ نفر به دلیل بیماری کرونا جان خود را از دست داده‌اند.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی افزود: در قالب طرح «شهید سلیمانی» اقدامات مهمی برای جلوگیری از شیوع کرونا در حال انجام است و توانستیم تا حدی این بیماری را کنترل کنیم. به گزارش عمومی گروه مالی گردشگری، نمایندگان استان کاهش رعایت پروتکل‌ها و عدم پایبندی به موازین بهداشتی است به طوری که خیز ملایمی در میزان بیماران سرپایی در برخی از استان‌ها مشاهده می‌کنیم و در تهران نیز در بیماران سرپایی شیب ملایمی آغاز شده و پس از آن نیز آمار بستری‌ها افزایش پیدا خواهد کرد و ممکن است با افزایش مرگ و میر در هفته‌های بعد در مراکز درمانی مواجه شویم.

نمکی بیان کرد: امیدواریم با رعایت پروتکل‌ها،



اضطراب جامعه درمانی را کمتر کنیم و در حال حاضر رعایت پروتکل‌ها به شدت به میزان قابل قبولی که انتظار داشتیم، رسیده است. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مورد ویروس انگلیسی نیز گفت: مورد جدیدی از این ویروس مشاهده نشده و تعداد مبتلایان همان آماری است که در گذشته ارائه شده است. وی گفت: همه هم و غم ما کنترل در مرزها و گذرگاه‌های کشور است تا بتوانیم از ورود این بیماری به کشور جلوگیری کنیم و اقدامات سختگیرانه‌ای را در تردها و محدودیت‌ها شروع کرده‌ایم.

نمکی در خصوص واکسن کرونا اظهار داشت:

چرا که ظرفیت همه واکسن سازان جهان ۱۰ درصد

مردم دنیا هم نیست، پس باید واکسن تولید می‌کردیم. به همین دلیل تولید واکسن را با قدرت شروع کرده‌ایم. وی ادامه داد: مجموعه آسترانکا به ما اعلام کرد که تحويل ۴.۲ میلیون دوز واکسن کرونا را به ما از ماه فوریه در قالب سبد کوواکس آغاز می‌کند. همچنین در مورد واکسن روسی که حرف و حدیث‌هایی ایجاد شد، سیاست ما این بود که واکسنی که می‌خواهیم ثبت کنیم، در چند کشور دنیا استفاده و ثبت شده باشد و واکسن روسی نیز در کشورهای نپال، آرژانتین، برزیل، روسیه و ... مصرف و ثبت شده باشد. علاوه بر این، واکسن مربوط به کشورهای چین در کشورهای عراق، اردن، اندونزی و ... در دنیا ثبت شده است

نمکی افزود: دو کمپانی هندی نیز جزو مواردی بوده که می‌خواستیم از آنها واکسن بگیریم که به ثبت رسیده و امیدواریم در بهمن ماه با پیگیری رئیس‌جمهور و همراهی بانک مرکزی و وزارت راه و چه سریع‌تر این واکسن‌ها وارد کشور شده و تزریق به گروه‌های آسیب‌پذیر را با رعایت عدالت شروع کنیم. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: مردم ایران بدانند که حاضریم برای آنها حتی جانمان که کمترین ارزش را دارد، فدا کنیم. همچنین اطمینان داشته باشند که واکسن را از مطمئن‌ترین منابع می‌آوریم و ان‌شاءالله در بهار نیز واکسن تولید ملی خودمان به بازار عرضه خواهد شد.

عده‌ای با بداندیشی، کج‌فکری یا حتی خیراندیشی، بدبینی را در ذهن مردم ایجاد کرده‌اند اما مردم باور دارند که وزیر بهداشت سیاسی نبوده و وابسته به جناح خاصی نیست بلکه همه اقشار از جمله اصولگرا، اصلاح‌طلب، معتدل، بدون خط، مسلمان و اقلیت‌های دینی و حتی زندانیان محکوم به اعدام و ... برای ما مهم هستند و خودمان را مکلف به سلامت آنها می‌دانیم. خواسته ما آن است که مسائل مربوط به واکسن و سلامت را سیاسی نکنند. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأکید کرد: بزرگترین هدف ما این بود که واکسن ایرانی را بسازیم

با اجرای طرح‌های توسعه ای مجتمع فولاد صنعت بناب محقق می‌شود؛

بزرگترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه فولاد کشور

با عمل به شعار جهش تولید، تا پایان سال جاری به رقم ۸۵۰ هزار تن خواهیم رسید که این میزان در سال آتی به یک میلیون و ۲۰۰ هزارتن افزایش خواهد یافت.

بابک علیزاد شهیر با اشاره به افزایش دو برابری صادرات مجتمع فولاد صنعت بناب افزود: با توجه به میزان تولید فولاد کشور، نیاز مصرفی و مازاد تولید، این مجتمع برنامه‌هایی برای گسترش صادرات دارد.

مجلس شورای اسلامی توجه ویژه ای داشته باشند. وای ادامه داد: با توجه به شرایط جغرافیایی، نزدیکی به مرز، تولید محصول کیفی و رقابتی، افزایش دو برابری صادرات را شاهد بودیم که این میزان نیز در سال آینده افزایش خواهد یافت و با ارزآوری و توسعه صادرات غیرنفتی کشور سهم بسزایی را در اقتصاد کشور ایفا خواهیم کرد. بر همین اساس، فولاد بناب به عنوان یکی از صادرکنندگان نمونه استان انتخاب شده است.

علیزاد شهیر در پاسخ نمایندگان در خصوص مسایل و مشکلات فولاد بناب گفت: تأمین مواد اولیه، اصلاح قوانین مرتبط با تولید و صادرات، تمهیدات و مشوق‌های لازم در جهت تسهیل امور تولیدکنندگان و تأمین برق برای واحدهای تولیدی ضرورت دارد در شرایط کنونی نمایندگان مجلس شورای اسلامی توجه ویژه ای داشته باشند. وای در خاتمه با اشاره به وضعیت فعلی مجتمع نیز خاطرنشان کرد: با حمایت مدیران ارشد گروه مالی گردشگری و تلاش همکاران در سال جاری کارخانه به سوددهی رسیده است و با افزایش سرمایه لازم و مستهلک شدن بدیهی‌های بانکی، به زودی وارد بورس خواهیم شد.

مدیرعامل گسترش فولاد شهریار نیز در این دیدار به تشریح پروژه ها پرداخت و گفت: با توجه به توانمندی و پتانسیل مجتمع و برخورداری از نیروی جوان و متخصص و امکان ایجاد طرح‌های توسعه‌ای در راستای



تکمیل‌تر کردن زنجیره تولید در گروه مالی گردشگری، قراردادی با قرارگاه خاتم الانبیا با سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیون یورویی شاهد بزرگترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه فولاد کشور هستیم. امین رفیعی افزود: با بهره برداری از این پروژه‌ها در آینده شاهد افزایش سه برابری ظرفیت تولید و ایجاد اشتغال ۱۰۰۰ نفر به صورت مستقیم خواهیم بود. پروژه های مذکور شامل پروژه زیر سقفی ذوب شاهین و و افزایش تولید دو برابری، احداث بارانداز ریلی اختصاصی مجتمع به منظور حمل مواد اولیه و محصول، ایجاد اکسیژن پلنت با ظرفیت تولید سالانه ۹۰ میلیون مترمکعب، احداث کارخانه فرو الیاز، فروسیلیس و سیلیکو منگنز، ذوب یک میلیون ۴۵۰ هزار تنی برای تولید اسلب و بیلت و همچنین احداث خطوط نورد ورق یک میلیون و ۴۵۰ هزار تنی است.

سرمقاله

فندک موسیو

محسن جلال پور

میدان مشتاق کرمان محله‌های زیادی دارد. یک طرفش می‌خورد به «دروازه ناصریه» یک طرفش به ابتدای «خیابان زریسف» یک طرفش هم به مسجد جامع ۷۰۰ ساله کرمان می‌رسد که مرحوم پدربزرگم بیش از ۶۰ سال پیش ساعت بزرگی برایش تهیه کرد که همچنان کار می‌کند. یکی از محله‌های این اطراف، «شورخانه» نام داشت که بیشتر اقوام مادری‌ام آن‌جا سکونت داشتند؛ از جمله «خاله طاهره» که ساکن این محله بود. هر وقت قرار بود به خانه خاله برویم، هم ذوق می‌کردم و هم می‌ترسیدم. خوشحال بودم که با بچه‌های خاله و دایی، بازی می‌کنم و غذاهای خوشمزه می‌خورم اما ترسم به خاطر مرد ژولیده‌ای بود که آن اطراف پرسه می‌زد.

مردم محله، این مرد عجیب مو بلند را «موسیو» صدا می‌کردند. ظاهراً خارجی بود و کسی زبانش را نمی‌دانست و در خانه مخروبه‌ای همان نزدیکی‌ها زندگی می‌کرد. کسی نمی‌دانست او کیست و چگونه از کرمان و محله شورخانه سر درآورده است. من خیلی از او می‌ترسیدم و هروقت به خانه خاله می‌رفتم پدر یا مادرم را رها نمی‌کردم. یک روز همه ناهار مهمان خاله‌جان بودیم و بعد از این‌که در حیاط کلی «قایم باشک» بازی کردیم، حسابی گرسنه شدیم. خاله طاهره زنی مهربان و بی‌نهایت ملتفت بود.

سفره که پهن شد، خاله‌جان بشقاب بزرگی برداشتند و پر از برنج و خورشت کردند و حسین-پسرخاله‌ام- را صدا زدند و گفتند زود ببر برای موسیو، تا اسم موسیو را آوردند، ترسیدم و پشت مادرم پنهان شدم.

حسین بشقاب غذا را برداشت و به من که ترسیده بودم گفت: محسن بیا با هم برویم و غذای موسیو را ببریم. با ترس و لرز زیاد بلند شدم، دست حسین را گرفتم و رفتم پی موسیو که گوشه‌ای از خرابه نشسته بود. پرسیدم چرا باید برای موسیو غذا ببریم؟

حسین برابرم گفت که هر روز باید اول غذای موسیو را برایش ببرد اگر نه خاله جان دعوایش می‌کند و اجازه نمی‌دهد غذا بخورد. از دور موسیو را دیدم که گوشه‌ای نشسته بود. ما را که دید، از جایش بلند شد، شلوارش را تکاند و به سمت‌مان آمد.

صورتش بین انبوهی ریش و موی بلند پنهان بود اما چشمان آبی‌اش خوب دیده می‌شد. سیگاری نیمه سوخته به لب داشت و فندک قشنگی دستش بود. سیگار را روشن کرد و دود غلیظی به هوا فرستاد. ترسم ریخته بود و محو فندک تلایی‌اش شدم. چیز عجیبی بود که نظیرش را ندیده بودم.

متوجه نگاهم شد، به فندک نگاهی کرد و در جیبش گذاشت. حسین سینی غذا را داد و موسیو که چشم از من بر نمی‌داشت، سینی را کناری گذاشت و به سمت من آمد. ترسیدم و می‌خواستم فرار کنم اما موسیو دستی به سرم کشید و فندک را گذاشت کف دستم. نگاهش کردم، فوق‌العاده قشنگ بود اما قبول نکردم و برگرداندم. نپذیرفت و گذاشت توی جیبم. با سرعت به سمت خانه دویدم و دیدم خاله‌جان دم در ایستاده‌اند. فندک را نشان دادم و گفتم: بخود موسیو داد.

خاله‌جان فندک را گرفت و نگاهی کرد و گفت: دیدی الکی می‌ترسیدی؟ موسیو مرد بزرگی است، همه مال و منالش همین فندک بود که بخشید به تو. سر سفره یاد موسیو افتادم و پیش خودم گفتم چه خوب که خاله جان هر روز برایش غذا می‌برد.

دفعه بعد که به خانه خاله طاهره رفتم، موسیو را ندیدم. بعضی‌ها می‌گفتند از کرمان رفته، بعضی‌ها می‌گفتند فوت کرده و بعضی‌ها معتقد بودند جایی همین اطراف پنهان شده.

فندک موسیو سال‌ها دست من ماند و یادش را برای من زنده نگه داشت اما نفهمیدم چطور گمش کردم.

از مهمانی خاله طاهره سال‌ها می‌گذرد و من در میانه‌های پنجمین دهه زندگی‌ام ریش گذاشته‌ام. هر روز صبح مرد ژولیده‌ای را در آینه می‌بینم که که به من زل زده است. نور به قبر خاله‌جان تابید که هر روز پیش از آن‌که بچه‌هایش غذا بخورند، برای مرد ژولیده غذا می‌فرستاد. اما به گمانم پس از درگذشت او، دیگر هیچ زنی هر روز برای مردی ژولیده غذا نفرستاده و مردی ژولیده هرگز فندک زیبوی قدیمی‌اش را به یک پسر بچه نخشیده است.